

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



در ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ خورشیدی، یک گروه چریکی به فرماندهی فدایی شهید رفیق علی اکبر صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری در شهرک سیاهکل در استان گیلان حمله و آن را خلع سلاح کردند و با این عمل کوچک از نظر نظامی و دوران ساز از نظر سیاسی، افق جدیدی را در سپهر سیاست ایران زمین گشودند؛ افقی که آغاز پایان عمر دیکتاتوری سلطنتی را نوید داد.

محمد رضا شاه و سازمان سرکوبگر امنیت (ساواک) که به خوبی پیام سیاسی و رمز و راز سترگ این حرکت را دریافت کرده بودند، به

سرکوب گسترده روی آوردند. رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی در جریان عملیات پس از ۱۹ بهمن در جنگلهای گیلان به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، اسماعیل معینی عراقی و هوشنگ نیری در بیدادگاه نظامی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال در «میدان تیر چیتگر» به جوخه های اعدام سپرده شدند.



هدف رژیم شاه از اعدام دسته جمعی ۱۳ انقلابی جان برکف - که تا آن زمان کم سابقه بود - حفظ و پاسداری از معادله نابرابر «ضعف مطلق مردم و قدرت مطلق حکومت» بود. ساواک شاه «تهدید» را دریافت و در این خیال باطل بود که از شکل گیری «قطب بندی سیاسی بین مردم و حاکمیت» جلوگیری کند و «تهدید» را در نطفه خفه کند. رستاخیز سیاهکل و پس از آن ادامه مبارزه مسلحانه انقلابی کابوس مداوم برای شاه شد و به همین دلیل به ساواک سرکوبگرش دستور وحشیانه ترین سرکوبیها را داد. جنبش انقلابی مسلحانه با وجود سرکوبهای خشن راه پُرفراز و نشیب رهایی را ادامه داد و با به سُخره گرفتن اقتدار شاه، روانشناسی انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ داد و همزمان شاه را به استیصال کشاند.

وزیر دربار شاه در خاطراتش از قول او در توصیف چریکهای فدایی می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهانشان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

پس از حماسه سیاهکل مرزبندی روشنی بین انقلاب و استبداد ترسیم شد و همزمان با منفرد شدن سالوس صفتی اپورتونیستها، نیروی سترگ انسانیت و عشق سلحشورانه به آزادی و برابری در برابر بی عملی، مصلحت جویی و عافیت طلبی اپورتونیستها قرار گرفت. خنجر سرخ سیاهکل کیسه مرغ

ماه‌خوار را که ذهن و عمل کمونیست‌ها را به اسارت گرفته بود از هم درید و دوران نوینی را به ثبت رساند؛ دوران جنبش نوین کمونیستی ایران. مبارزه بی‌امان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، تاکید و پایداری بر خط مشی مبارزه مسلحانه انقلابی موجب استقبال گسترده از جانب آگاه‌ترین و پیشروترین زنان و مردانی که مدافع آزادی و سوسیالیسم بودند، شد. حمایت و پشتیبانی کارگران آگاه، زنان، دانشجویان، شاعران، هنرمندان تئاتر و سینما، نویسندگان و فرهنگیان از جنبش پیشتاز فدایی، موجب آن شد که سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرا روید. واقعیت بالندگی حماسه سیاهکل را خمینی بلافاصله درک کرد و علیه آن موضعی سخیف، ارتجاعی و ضد انقلابی گرفت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت همان سال نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل.» وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمن‌های اسلامی در اروپا به چاپ رسید، به خاطر موضع ننگین خمینی، جمله «نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات



مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷) با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، همزمان با کشتار سبعانه مخالفان و از جمله کمونیست‌ها، مدافعان رنگارنگ استبداد مذهبی همچون اصول‌گرایان، اصلاح‌طلبان و گزافه‌گویان پیرامون و حاشیه قدرت، که تاریخ و سنت انقلابی جنبش پیشتاز فدایی را به درستی یک «تهدید» ارزیابی می‌کردند، دست به تحریف تاریخ و حقایق آن با مثنی جعلیات و اراجیف زدند؛ تلاش رسوا شده‌ای که تاکنون نیز ادامه دارد. آبشخور نگرانی خامنه‌ای از نفوذ «چپ مارکسیستی» در میان نسل جوان که

چند بار به طور علنی به زبان آورده، وجود همین «تهدید» است. واقعیت این است که پس از سرکوبهای گسترده سالهای دهه ۶۰، بار دیگر نیروی چپ از خاکستر خود برخاسته است و بنابراین دستگاههای اطلاعاتی و گفتمان سازی رژیم جمهوری اسلامی همزمان با سرکوب، زندان و شکنجه می کوشند تا با انتشار انبوهی به اصطلاح «تحلیل و تحقیق» به مخدوش کردن چهره جنبش کمونیستی طی سالهای پیش از قیام بپردازند.

دست پروردگان خمینی و دنباله روان منش جاهلانه او تلاش کرده و می کنند تا با وارونه کردن تاریخ، آن را در قَد و قواره «انقلاب اسلامی» ترسیم کنند. نقشه ابلهانه آنان این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «نان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در می آید، «توفان شکوفه» می دهد و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر می شود.

زنان و مردان ایران زمین!

*سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و یکمین سال حیات خود یاد، نام و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی که در زندانهای شاه و شیخ، در پای چوبه های دار، در پیکار با دشمن و در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد و بر عهد و پیمان خود برای ادامه راهی که حماسه آفرینان رستاخیز سیاهکل آغاز کردند، تاکید می کند.

*ما به تمامی زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، عدالت و نابودی تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی کسانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران به شهادت رسیدند را گرامی می داریم.

*ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه بازداشت شدگان خیزشهای سالهای اخیر هستیم. ما خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران هستیم.

هموطنان. مردم به فلاکت کشیده شده!

ایران تحت حاکمیت تبهکاران در بحرانی ترین لحظات تاریخ خود قرار دارد. تمامی عاملهای کلان در اقتصاد، سیاست و جامعه نشان دهنده آن است که این بحران در تار و پود کشور جاری شده است. رژیم جمهوری اسلامی و در راس آن خامنه ای بار بحران را بر دوش مردم ستمدیده کشور ما گذاشته و برای مهار کُنشهای توده های مردم از حربه سرکوب و صدور تروریسم و بنیادگرایی استفاده می کند. اما عمق و گستردگی بحران به میزانی است که هیچ تدبیر ضدخلقی نمی تواند

تلاطم و تکانه های ناشی از اوضاع آشفته کشور و وخامت وضعیت مردم را فرو نشاند. نشانه های بحران انقلابی به طور روزمره خود را نشان می دهد و در حالی که بالابینها نمی توانند به شکل سابق حکومت کنند، پایینینها هم نمی توانند به شکل گذشته به زندگی ادامه دهند. ما در همین یکی دو ماه گذشته شاهد صدها حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار و تهیدستان شهر و روستا بودیم. همزمان کشمکشهای بی سابقه در هرم قدرت و ثروت جریان داشت تا جایی که برخی از دلوایان ولایت، رئیس جمهور ملاها را خائن و پای «منقل» نشین معرفی می کنند. در مقابل، مخالفت با خامنه ای در درون قدرت روز به روز بیشتر می شود و همین موضوع باعث شده تا نوکران حلقه به گوش ولی فقیه در مدح و ثنای او مرزهای دربوزگی را پشت سر بگذارند.

خامنه ای، که بهتر از هرکس از عمق بحران با خبر است، «دولت جوان حزب الهی» را راه حل نظام برای غلبه بر بحران می داند. خروجی این راه حل که می توان آن را مشابه دوران احمدی نژاد ارزیابی کرد، به معنای سلطه پاسداران، امنیتیها، مداحان و لومپنها بر تمامی ارکان حکومت و منقبض شدن بیشتر حاکمیت و سرکوب عریان تر مردم است. اکنون که خامنه ای موفق شده یک دزد سرکوبگر را در راس مجلس جاگذاری کند و یک جلاد منفور را در راس قوه قضاییه بگمارد، قصد دارد با شعبده بازی، یک پاسدار جنایتکار و یا یک شکنجه گر را از صندوق نمایش انتخابات ریاست جمهوری بیرون آورد.

همه گیری ویروس کرونا

همه گیر شدن ویروس کرونا (کوید ۱۹) در سراسر جهان به مساله عمده تبدیل شده است. اما خصلت این همه گیری در ایران، اتحاد و پیوند آن با منافع نظام حاکم است. جمهوری اسلامی از کرونا به مثابه یک فرصت برای جلوگیری از شورش، جنبش، خیزش و قیام استفاده می کند. برای همین از ابتدا به انکار و دروغ در باره آن پرداخت و سپس حاضر نشد از داراییهای غارت شده کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس و درمان مردم مبتلا هزینه کند. بر اساس گزارشهای گوناگون تا کنون دستکم دویست هزار تن در سراسر کشور از ویروس کرونا جان باخته اند. با وجود پنهان سازی کشتار کرونا از سوی حاکمیت، مدتهاست که ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است. حسین قشلاقی عضو شورای عالی نظام پزشکی گفت؛ بر اساس گزارش های میدانی کادر درمان و همچنین با بررسی آمار دفن شدگان، می توان گفت میزان مرگ و میر کرونا در کشور حدود ۳ تا ۴ برابر آمار رسمی است. سخنگوی وزارت بهداشت نیز با اشاره به اینکه تاکنون حدود ۲۵ درصد پرستاران ایرانی به کرونا مبتلا شده اند، به وضعیت وخامت بار کادر درمانی اعتراف کرد.

رفتار ضد بشری کارگزاران ولایت خامنه ای پیرامون واکسن کرونا، میزان بیرحمی و فقدان شرافت اخلاقی آنان را به نمایش گذاشته است. تا قبل از حکم ضد انسانی خامنه ای که در روز جمعه ۱۹ دی اعلام کرد و موجب برانگیختن انزجار و تنفر کم سابقه در سطح جامعه و در رسانه های غیر حکومتی شد، کارگزاران رژیم به شمول ماله کش اعظم نظام، بهانه «تحریم دارو» را مطرح می کردند. عذر ابلهانه «تحریم» در توجیه علت هزینه نکردن برای تهیه واکسن در حالی تکرار می شود

که نه فقط دولت آمریکا که حتی برخی از کارگزاران دست دوم رژیم و فعالان تجارت خارجی آن اعلام کرده اند که در این مورد هیچ تحریمی وجود ندارد.

رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با رد مشکل نقل و انتقال پول برای واردات واکسن کرونا در شرایط تحریم گفت: «در حال حاضر ۳۰ درصد از داروهایی که ماهانه وارد ایران می‌شود از کشور آمریکا است و باید در نظر داشته باشیم که تحریمها شامل واکسن نخواهد شد.» (ایلنا، سه شنبه ۱۱ آذر) در شرایطی که خواست خرید فوری واکسن کرونا به یک مطالبه عمومی تبدیل شده، رژیم برای دور زدن این مطالبه به یک شعبده بازی جنایتکارانه با عنوان تست واکسن داخلی دست زد. برخی از داروسازان و پزشکان در نامه ای سرگشاده نسبت به این آزمایش ابراز تردید کردند. و البته افکار عمومی هم این شعبده بازی را به سخره گرفتند. روحانی پس از چند روز هیاهو درمورد واکسن داخلی گفت: کسی نمی‌داند تولید واکسن چند ماه طول می‌کشد و به نتیجه برسد. چند روز قبل از شعبده بازی تست واکسن داخلی، ۱۶۷ داروساز تولید واکسن کرونا را «در حد یک شوخی» خواندند و نوشتند: «با کدام جرات ادعای تولید چنین واکسنی را داریم؟» آنها ضمن انتقاد از «بی‌برنامگی وحشتناک» در تامین واکسن در ایران شعار «تولید ملی واکسن» را نیز موجب شگفتی خواندند و نوشتند: «چرا اجازه بدهیم تولید یک محصول اینقدر تخصصی را ساده جلوه دهند؟ ما که قابلیت خرید چند فریزر برای انتقال و نگهداری واکسن را نداریم، تجهیزات تولید واکسن آن هم برای ۸۰ میلیون نفر را داریم؟» آنها خواسته اند «به موقع، و نه بعد از مرگ سهراب» نسبت به خرید و واردات واکسن اقدام شود. آنها برخی موضوعات مطرح شده در رسانه های داخل ایران درباره واکسن داخلی را «توهین به شعور علمی داروسازان و صرفا بهانه ای برای عدم تامین واکسن» توصیف کردند.

شعار خرید فوری واکسن معتبر جهانی و در دسترس قرار دادن رایگان آن برای همگان به خواست جامعه که زیر فشار کرونا و تحت ستمگری رژیم قرار دارد، تبدیل شده است.

دیدگاهها و وظایف ما

* سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در پنجاهمین سالگرد حماسه سیاهکل، با ابراز خرسندی از رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و ستمدیدگان، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می‌دهد. شرایط مادی که بر بستر آن خیزش بی چیزان و تحقیرشدگان شکل گرفت را ما در ارزیابیها و تحلیلهای درونی و بیرونی خود به عنوان "بحران غیرقانونی" و یا "بحران انقلابی" می‌دانستیم و تمام فعالیت تبلیغی و ترویجی ما پیرامون همین مساله متمرکز بود. درستی این ارزیابی با برافراشته شدن پرچم قیامها، خیزشها و جنبشها طی یک دهه اخیر اثبات گردید. به گمان ما «ستیز توده ها با حاکمیت در تمامیت آن، تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روینای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با جهان پیرامون خود (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است.»

در شهریور ماه سال ۱۳۸۲ ما تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی،

مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی (مراجع بین المللی- دولتها- سازمانهای اجتماعی- نهادهای مدافع حقوق بشر- و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.»

* «خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و استقرار یک نظام دموکراتیک و عرفی در ایران است. برای تحقق این خواست تاریخی مردم ایران است که ما از آلترناتیو شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در این شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.»

* «ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراها ی هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و ... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

* «ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن حمایت می کنیم.»

* «حق مسلم و تردید ناپذیر مردم ایران است که به واکسن معتبر و مورد تایید سازمان بهداشت جهانی به طور رایگان دسترسی داشته باشند. جامعه جهانی باید به رژیم ایران برای تحقق این امر فشار مکفی وارد کند. بهانه ها و اراجیف سرکردگان حکومت مبنی بر مانع بودن تحریم جهت تهیه واکسن، تنها و تنها چهره تبهکاران حاکم بر کشور ما را برملا می کند.»

* «ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می خواهیم که: کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع

شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان را به رسمیت شناسند.

«ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات اتمی رژیم ایران می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دمکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه در این زمینه، باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.»

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یازدهمین شعبده بازی انتخابات ریاست جمهوری که قرار است در بهار سال آینده برگزار شود را تحریم کرده و تبلیغ و شرکت در این نمایش ضد مردمی را علیه منافع مردم ایران می داند.»

«ما به خلقهای به پاخاسته عراق و لبنان درود می فرستیم و خود را با مبارزه آنها برای دموکراسی و عدالت و قطع دست رژیم جمهوری اسلامی و مزدوران بومی اش همبسته می دانیم. اگرچه حاکمان متجاوز و فرقه گرای ایران با سیاستها و اقدامات خود بذر دشمنی و تخریب همزیستی مسالمت آمیز را می کارند، اما خلقهای ایران، لبنان، عراق، فلسطین و سوریه دشمنی جز رژیم ولایت فقیه ندارند. مبارزه ای که در طرابلس و بیروت، بغداد و نجف، تهران و اهواز جریان دارد، نبرد مشترکی است که در مضمون و هدف دوش به دوش حرکت می کند.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»
«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ - ۳ فوریه ۲۰۲۱